

قصابی که معترضان ۱۵ خرداد را سلاخی کرد

۱۱ خرداد ۱۴۰۱ ساعت ۱۶:۳۷

بعد از آنکه در شانزده شهریور حکومت نظامی اعلام شد، شاه برای نشان دادن اهمیت و جدی بودن حکومت نظامی، فرماندهی نظامی پایتخت را به اویسی واگذار کرد. تفویض این مقام به اویسی نشان از اعتماد کامل شاه به اویسی و جدی بودن او در سرکوب هر نوع جنبش اعتراضی داشت.

[ارتشبد غلامعلی اویسی](#) از فرماندهان ارشد نظامی در دوره پهلوی دوم، در سال ۱۲۹۷ در یکی از روستاهای قم به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی خود را در مدارس قم گذراند و بعد از اتمام دوره دبیرستان وارد دانشکده افسری شد. او توانایی و یا تبحر خاصی در امور نظامی نداشت و عملاً نیز در دوران آموزشی خود تلاشی برای یادگیری امور نظامی نشان نمی‌داد. فردوست در خاطرات خود با اشاره به این موضوع آورده است «اویسی از آغاز افسر کم سواد بود و تا پایان نیز معلومات نظامی کمتر از متوسط داشت و مطلقاً اهل مطالعه نبود حتی در دوره دانشکده افسری در هیچ یک از دروس و تمرینات شرکت نمی‌کرد و در طول دو سال دانشکده انباردار گروهان بود ولی او توانست با زدو بند و نزدیک کردن خود به محمدرضا ترقی کند و به مشاغل مهم برسد.» با این حال اویسی توانست در سمت‌های گوناگون نظامی به فعالیت بپردازد و توجه محمدرضا را به خود جلب نماید. هرچند تا سال ۱۳۳۲، سمت خاص و مهمی نداشت و مهمترین پست نظامی او فرماندهی هنگ ۱۶ کازرون بود. بعد از سال ۱۳۳۲ که قدرت شاه افزایش یافت، بسیاری از نظامیان توانستند به درجات نظامی بالایی ارتقا یابند. اویسی نیز از جمله نظامیانی بود که مشمول الطاف خاص شاهنشاهی قرار گرفت و از نظر نظامی ارتقا یافت. در مقابل اویسی نیز برای نشان دادن وفاداری خود به شاه نقش مهمی در تثبیت حکومت او ایفا نمود. اولین نقش اویسی در این مقام، سرکوب قیام ۱۵ خرداد بود. او همچنین از عاملان اصلی سرکوب قیام مردم در شهریور ۱۳۵۷ بود.

نقش اویسی در قیام ۱۵ خرداد و حوادث ۱۷ شهریور

غلامعلی اویسی در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، فرماندهی گارد شاه را بر عهده داشت. او از جمله افرادی بود که با کنترل نظام وسیع بر شهر قم، به سوی عده زیادی از تظاهرکنندگان آتش گشود و بسیاری از آنان را به قتل رساند. نقش اویسی در کشتار مردم در آن روز به حد کلیدی و پررنگ بود که به قصاب ایران معروف شد. او به پاس خدمات خود در این رویداد درجات سرلشگری و سپهبدی را از آن خود کرد و سپس در سال ۱۳۴۴ به عنوان فرماندهی ژاندارمری کل منصوب شد. اویسی در حوادث شهریور ۵۷ نیز نقش مهمی در سرکوب معترضان ایفا نمود.

بعد از آنکه در شانزده شهریور حکومت نظامی اعلام شد، شاه برای نشان دادن اهمیت و جدی بودن حکومت نظامی، فرماندهی

نظامی پایتخت را به اوپسی واگذار کرد. ۲ تفویض این مقام به اوپسی نشان از اعتماد کامل شاه به اوپسی و جدی بودن او در سرکوب هر نوع جنبش اعتراضی داشت. روش اوپسی در مقابله با اعتراضات، توسل به خشونت و سرکوب بود. او هیچ امتیازی به مخالفان نمی‌داد و بعد از آنکه شریف‌امامی در سال ۵۷ به سیاست آرام‌سازی اوضاع با دادن امتیاز به مخالفان روی آورد، اوپسی از جمله افرادی بود که نتوانست امتیاز دادن شریف‌امامی به مطبوعات و پارلمان را هضم کند. ۳ سرسختی اوپسی در مماشات با مخالفان باعث شده بود تا شاه بعد از شریف‌امامی او را به عنوان نخست‌وزیر در نظر بگیرد.

چرا اوپسی نخست‌وزیر نشد؟

در برخی از منابع آمده است که شاه بعد از شریف‌امامی به اوپسی برای نخست‌وزیری نظر داشت؛ اما برخی از افراد جمله فرح مانع از این انتخاب شدند. احمدعلی مسعودانصاری پسرخاله فرح در این رابطه آورده است «نخست‌وزیری اوپسی به علت مخالفت فرح منتفی شد و خود من شخصاً از تیمسار اوپسی و همچنین از نزدیکان او شنیدم که نظر شاه بر نخست‌وزیری اوپسی قرار داشت اما فرح مخالف بود و او و یارانش از هاری را برای تصدی دولت نظامی پیشنهاد کردند.» ۴

اما برخی هم معتقدند که علت عدم انتخاب اوپسی به عنوان نخست‌وزیر شخص شاه بود. چرا که اوپسی را سفرای انگلیس و آمریکا انتخاب کرده بودند و شاه واهمه آن را داشت که انگلیس و آمریکا درصدد جایگزینی اوپسی به جای شاه باشند. طبق دیدگاهی دیگر، آمریکا و انگلیس با انتخاب اوپسی به نخست‌وزیری مخالف بودند؛ زیرا به زعم آنان شیوه اوپسی در برخورد با مخالفان خشونت‌آمیز است و این کار را مشکل‌تر خواهد کرد. بر همین اساس فرح نیز معتقد بود که باید با تظاهرکنندگان با ملایمت رفتار شود. ۵

در هر صورت بعد از رد شدن اوپسی به پس نخست‌وزیری، او کشور را به بهانه معالجه خود ترک کرد. برخی گفته‌اند همان‌هایی که با نخست‌وزیری او مخالف بودند، همان‌ها هم باعث رفتن او شدند. اما واقعیت آن است که اوپسی بعد از مشاهده اوضاع سیاسی و ناامید شدن از حفظ حکومت، کشور را ترک کرد. او معتقد بود حفظ حکومت پهلوی تنها از طریق رفتن شاه حتی به قیمت کودتای نظامیان و یا عدم پشتیبانی آمریکا و انگلیس از شاه میسر است.

پارسونز در خاطرات خود و در یکی از ملاقات‌های خود با اوپسی آورده است «ما به او گفتیم که شایعاتی در میان افسران ارتش منتشر شده دائر بر اینکه انگلیس و آمریکا از یک کودتای نظامی با تشکیل یک دولت نظامی در ایران حمایت می‌کنند. منظور ما از این ملاقات تکذیب این شایعه و تاکید بر بی‌اساس بودن آنست.. ما همچنین تاکید کردیم که شایعات مربوط به کاهش پشتیبانی انگلیس و آمریکا از شاه حقیقت ندارد. ژنرال اوپسی تذکرات ما را بسردي و با ناخشنودی استقبال کرد.» ۶

با این حال اوپسی توانست از کشور فرار کند و این در حالی بود که به اعتقاد بسیاری در دوران فعالیت‌های نظامی خود از راه‌های ناصواب ثروت زیادی اندوخته بود. فردوست در رابطه با فسادهای اخلاقی و مالی اوپسی می‌نویسد: «زمانی که فرمانده ژاندارمری بود، سهم خود را از تریاک‌های وارده از افغانستان و ترکیه برمی‌داشت و زنش در کرمان تشکیلات سازمان‌دهی فرم تریاک در خانه داشت. او تریاک‌های مکشوفه را نیز بلند می‌کرد و می‌فروخت... اوپسی از این طریق، طی چندسالی که در ژاندارمری بود، حداقل پنج میلیارد تومان دزدید و همه را دلار کرد و به خارج برد.» ۷

اوپسی بعد از خروج از ایران، فرانسه را به عنوان محل زندگی خود انتخاب نمود. او در سال ۱۳۶۲ در پاریس به همراه برادرش ترور شد.

فهرست منابع

۱. فردوست حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۰، ص ۲۶۵.
۲. یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نشر نی، ۱۳۹۲، صص ۶۳۵-۶۳۶.
۳. دزموند هارنی، روحانی و شاه، ترجمه کاوه باسمنجی و کاووس باسمنجی، تهران، انتشارات کتابسرا، ۱۳۷۷، صص ۱۷۶-۱۷۷.
۴. احمدعلی مسعود انصاری، من و خاندان پهلوی، تنظیم و نوشته محمد برقی و حسین سرفراز، تهران، نشر فاخته، ۱۳۷۱، چاپ دوم، صص ۱۰۰-۱۰۱.
۵. محمدعلی علمی و سعید قانعی، نخست‌وزیران ایران از در مشروطه تا فروپاشی دولت بختیار، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۹۱، ۷۱۳-۷۱۵.
۶. آنتونی پارسونز، غرور و سقوط، ترجمه دکتر منوچهر راستین، انتشارات هفته، تهران، چ دوم، ۱۳۶۳، ص ۱۳۲.
۷. فردوست همان، ص ۲۶۵.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/48282/معترضان-قصابی/48282>